

پرسش ۹۹: معنای آیه‌ی (مگر آنها که اسرائیل بر خود حرام کرده بود).

سؤال / ۹۹: (إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ) [376]، ما معنی هذه الآية؟

(مگر آنها که اسرائیل بر خود حرام کرده بود) [377]. معنای این آیه چیست؟

الجواب: ورد في الحديث عنهم (عليهم السلام): إن يعقوب (عليه السلام) حرم على نفسه أكل لحم الإبل [378]، وهذا مصداق للآية، فالأنبياء ومنهم يعقوب (عليه السلام) أو إسرائيل لهم في بعض الموارد الاختيار، فلهم أن يختاروا في بعض الموارد تحريم هذا الشيء أو تحليله، أو قبول هذا الحكم أو عدم قبوله، وقد ورد هذا في كلامهم (عليهم السلام) كثيراً، كقولهم: لو فعل رسول الله كذا لوجب، أو قولهم: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) تركها ركعتين في السفر والحضر، أو أضاف ركعتين [379].

پاسخ: در حدیث از اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده است که یعقوب (علیه السلام) خوردن گوشت شتر را بر خود حرام کرده بود، [380] که این مصداقی برای این آیه می‌باشد. پیامبران (علیهم السلام) و از جمله‌ی آنها یعقوب (علیه السلام) یا اسرائیل در برخی موارد حق انتخاب داشته‌اند. بنابراین می‌توانستند در برخی موارد چیزی را حلال یا حرام کنند، یا حکمی را بپذیرند یا رد کنند. این موضوع در سخنان اهل بیت فراوان آمده است، مانند اینکه فرموده‌اند: اگر پیامبر خدا چنان می‌کرد آن کار واجب می‌شد، یا این سخن آنها که فرمودند: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را در سفر و حضر دو رکعتی تعیین نمود، یا دو رکعت بر آن افزود. [381].

وهكذا داوود (عليه السلام) يحكم وسليمان (عليه السلام) يحكم: (وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ * فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا) [382]، وكلاهما صحيح وكلاهما حكم الله مع أنهما يختلفان، قال تعالى: (هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) [383].

این چنین داوود (علیه السلام) حکم می‌راند و سلیمان (علیه السلام) نیز حکم می‌نمود: (و داوود و سلیمان را یاد کن آنگاه که درباره کشتزاری داوری کردند که گوسفندان آن قوم، بی‌شبان در آنجا می‌چریدند و ما شاهد داوری آنها بودیم * و این شیوه‌ی داوری را به سلیمان آموختیم و همه را حکم و علم دادیم). ([384]) هر دو سخن، صحیح و هر دو حکم خداوند است، با اینکه با هم متفاوت می‌باشند. حق تعالی می‌فرماید: (این عطای ما است؛ بی هیچ حسابی، به هر که می‌خواهی آن را ببخش و از هر که خواهی، دریغ کن). ([385])

و طبعاً مساحتی تحرکهم مقیده بحدود الله سبحانه و تعالی، و هي ضمن شريعة الله سبحانه لا يعدونها إلى سواها، و كمثل هو ما ورد في الحديث عن أهل البيت (عليهم السلام) من عدم قبول جميع الأنبياء (عليهم السلام) لهذه الآية أو المعنى الذي فيها: (لله ما في السموات وما في الأرض وإن تبادوا ما في أنفسكم أو تحفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله على كل شيء قدير) ([386])، إلا الرسول محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و الأئمة (عليهم السلام) و أمة محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و هم الثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً أصحاب القائم (عليه السلام).

البته جولانگاه حرکت آنها مقید و محدود به حدود خداوند سبحان و متعال و در چهارچوب شریعت الهی است که از آن تخطی نمی‌کنند و فراتر از آن نمی‌روند. به عنوان مثال، در حدیثی از اهل بیت (علیه السلام) در خصوص اینکه این آیه (از آن خداوند است هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است. آنچه را که در دل دارید، خواه آشکارش سازید یا پوشیده‌اش دارید، خدا شما را به آن بازخواست خواهد کرد؛ پس هر که را که بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خدا بر هر کاری توانا است) ([387]) یا مفهوم مندرج در آن مورد قبول همه‌ی انبیا نیست، آمده است، به جز حضرت محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و ائمه و امت محمد (عليه السلام) که در واقع سیصد و سیزده مرد از اصحاب قائم (عليه السلام) می‌باشند.

فالأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) إِنْ مَخْتَارُونَ فِي قَبُولِ هَذَا الْحُكْمِ أَوْ عَدَمِ قَبُولِهِ، وَالَّذِينَ قَبَلُوهُ وَأَخَذُوا يَحَاسِبُونَ أَنْفُسَهُمْ عَلَى مَا يَدُورُ فِي خَلْجَاتِهِمْ قَبْلَ أَنْ يَحَاسِبُوا فَازُوا بِنَصْرِ عَظِيمٍ وَمَقَامِ رَفِيعٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ.

پس انبیا (علیهم السلام) در پذیرفتن یا نپذیرفتن این حکم مختارند، و کسانی که آن را پذیرفته‌اند و به خاطر آنچه در اندرونشان جریان دارد، شروع به محاسبه‌ی نفس خود نموده‌اند پیش از آنکه مورد محاسبه قرار گیرند، به پیروزی عظیم و مقامی رفیع دست یافته‌اند که خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خداوند خشنود می‌باشند.



[376]- آل عمران : 93.

[377]- آل عمران : 93.

[378]- ابن ابی یعفور قال : سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله الله : " كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ " ، قال : (إن إسرائيل كان إذا أكل لحوم الإبل هيح عليه وجع الخاصرة ، فحرم على نفسه لحم الإبل ، وذلك من قبل أن تنزل التوراة ، فلما أنزلت التوراة لم يحرمه ولم يأكله) بحار الأنوار : ج 9 ص 191 ، نقلاً عن تفسير العياشي.

[379]- عن علي بن مهزيار ، قال : قال بعض أصحابنا لأبي عبد الله (عليه السلام) : (ما بال صلاة المغرب لم يقصر فيها رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) في السفر والحضر مع نافتها ؟ قال : لأن الصلاة كانت ركعتين ركعتين ، فأضاف رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) إلى كل ركعتين ركعتين ووضعها عن المسافر وأقر المغرب على وجهها في السفر والحضر ، ولم يقصر في ركعتي الفجر أن يكون تمام الصلاة سبعة عشر ركعة في السفر والحضر) المحاسن : ج 2 ص 327 ح 78.

[380]- ابن ابی یعفور می‌گوید: از ابا عبد الله (عليه السلام) درباره‌ی این سخن خداوند متعال (همه‌ی طعام‌ها بر بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنها که اسرائیل بر خود حرام کرده بود) سوال نمودم. حضرت (عليه السلام) فرمود: (اسرائیل اگر گوشت شتر می‌خورد درد شدیدی در خود احساس می‌کرد. پس گوشت شتر را بر خود حرام نمود و این پیش از نازل شدن تورات بود و وقتی تورات نازل شد آن را حرام نمی‌داشت و نمی‌خورد). بحار الانوار: ج 9 ص 191، روایت شده از تفسیر عیاشی.

[381] - از علی بن مهزیار نقل شده است: برخی از اصحاب به ابو عبد الله (علیه السلام) عرض کردند: چرا نماز مغرب را با وجود نافله اش رسول اکرم ص در سفر و حضر شکسته ننمود؟ حضرت فرمود: (زیرا نماز، دو رکعت دو رکعت بود و رسول خدا ص بر هر دو رکعت، دو رکعت اضاف نمود و آنها را بر مسافر ترک نمود و نماز مغرب را بیان فرمود که در هر دو حالت، بر وجه خود باقی بماند، و نیز دو رکعت نماز صبح را نیز شکسته نکرد تا تمام نماز در سفر و حضر، هفده رکعت باشد). محاسن: ج 2 ص 327 ح 78.

[382] - الأنبياء : 78 - 79.

[383] - ص : 39.

[384] - انبياء: 78 و 79.

[385] - ص: 39.

[386] - البقرة : 284.

[387] - بقره: 284.